

Qualitative Analysis of the Underlying Factors for Extramarital Relationships in Women Experiencing Extramarital Relationships : A Qualitative Study

Zahra Ahmadi Ardakani¹, Hassan Zarei Mahmoud Abadi², Ahmad Kalateh Sadati³

1. PhD student in family counseling, Azad University, Yazd, Iran.
2. (Corresponding author) - Corresponding Author. Faculty member, counseling department, Yazd University, Yazd, Iran.
3. Faculty member, Department of Social Sciences, faculty of humanities, Yazd University, Yazd, Iran.

ABSTRACT

The article is taken from a doctoral dissertation

Received: 06/06/1400 - Accepted: 16/09/1400

Aim: The goal of this study was to qualitatively analyze the factors underlying extramarital relationships in women with extramarital relationships. **Methods:** The goal of the present study is applied, and in terms of the methodology is a qualitative research. The target population are women referring to counseling centers in city of Yazd with history of marital infidelity, from which 15 people were selected as a sample through convenient sampling and a semi-structured interview was used. Decoding was performed using thematic analysis method. **Findings:** The results showed that the underlying factors of extramarital relationships can be identified in three dimensions. In the dimension of family and culture, two main themes were obtained, which included family and parenting style and gender-cultural schemas. Also, in the dimension of interpersonal issues, three main themes including self-esteem, feelings of inferiority and cohesion of personality and behavior were obtained. In the dimension of interpersonal issues, the main themes included relationship challenges and outward looks criteria. **Conclusion:** Extramarital relationships from the perspective of women are influenced by cultural, educational, and early years' schemas experiences. Results also showed that extramarital relationships is a multidimensional construct that cannot be only related to psychological factors. So, for knowing the the underlying factors attention must also be given to cultural diversity in Iran.

Keywords: Extramarital relationships, family, women



تحلیل کیفی عوامل بسترساز روابط فرزاناشویی در زنان دارای تجربه روابط فرزاناشویی: یک مطالعه کیفی

زهرا احمدی اردکانی^۱، حسن زارعی محمودآبادی^۲، احمد کلاته ساداتی^۳

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، واحد یزد، دانشگاه آزاد یزد، ایران.

۲. نویسنده مسئول، عضو هیات علمی گروه مشاوره و روان شناسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

۳. عضو هیات علمی گروه علوم جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

(صفحات ۵-۳۴)

مقاله برگرفته از رساله دکتری است

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف تحلیل کیفی عوامل بسترساز روابط فرزاناشویی در زنان با تجربه روابط فرزاناشویی انجام شد. **روش:** پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش اجرا پژوهشی با رویکرد کیفی می‌باشد. جامعه‌ی هدف را زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر یزد که سابقه خیانت زناشویی داشتند تشکیل می‌دهند که از میان آن‌ها تعداد ۱۵ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شد و با استفاده از شیوه مصاحبه نیمه ساختار یافته از آن‌ها مصاحبه به عمل آمد. کدگذاری با استفاده از شیوه تحلیل مضمون انجام شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که عوامل بسترساز روابط فرزاناشویی در سه بعد قابل شناسایی هستند. در بعد خانواده و فرهنگ دو مضمون اصلی بدست آمد که شامل خانواده و سبک فرزند پروری و طرحواره‌های جنسیتی-فرهنگی بود. همچنین در بعد مسائل درون فردی نیز سه مضمون اصلی شامل عزت نفس، احساس حقارت و انسجام شخصیت و رفتار بدست آمد و در بعد مسائل بین فردی نیز مضامین اصلی شامل چالش‌های رابطه و معیارهای زیباشناسی بود. نتیجه‌گیری: عوامل بسترساز روابط فرزاناشویی از نظر زنان تحت تأثیر مسائل فرهنگی، تربیتی، و طرح‌واره‌هایی است که در طول سال‌های ابتدایی توسط آن‌ها تجربه می‌شود. نتایج همچنین نشان داد که روابط فرزاناشویی سازه‌ای چندوجهی است که نمی‌توان در بعد سبب‌شناسی آن را تنها به عوامل روان‌شناختی مرتبط دانست و برای شناخت عوامل بسترساز آن با توجه به تنوع فرهنگی در جامعه ایران باید این متغیرها نیز مورد توجه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: روابط فرزاناشویی، خانواده، زنان

مقدمه

خانواده در زمره‌ی مهمترین سیستم‌های اجتماعی^۱ است؛ حفظ و تداوم خانواده از اهمیت زیادی برخوردار است. خانواده به عنوان واحدی اجتماعی^۲ کانون رشد و تکامل، التیام وشفادهندگی و تغییر و تحول آسیب‌ها و عوارض است که هم بستر شکوفایی و هم بستر فروپاشی روابط میان اعضایش می‌باشد. روابط فرازنشویی از مسائل دردناکی است که در سال‌های اخیر روزنامه‌ها و پیش از آنها مراجع انتظامی و قضایی ایران درباره آن سخن می‌گویند و بی‌آنکه به تحلیل زمینه‌ها و نشانه‌ها و پیامدهای این رفتار ضد اخلاق و قانون پردازند از کنار آن می‌گذرند (مومنی و شعاع کاظمی، ۱۳۹۰). زوج‌ها زندگی مشترکشان را با عشق شروع می‌کنند ولی مشاهده می‌کنند که صمیمیت اولیه به تدریج رنگ می‌بازد. با گذشت زمان زندگی برخی از زوج‌ها به جدایی کشیده می‌شود اما اکثراً به زندگی مشترکشان با آهنگی یکنواخت و ملال آور ادامه می‌دهند و برای تحمل این زندگی به مشروبات الکلی، پر خوری^۳، استفاده از مواد مخدر و ارتباطات نامشروع روی می‌آورند. مهمترین انگیزه زن و مرد متأهلی که به سوی روابط فرازنشویی کشیده می‌شوند تجربه مجدد صمیمیت فردی و جنسی است؛ چیزی که معتقدند آن را در زندگی مشترکشان نمی‌یابند. بنابراین جذابیت روابط فرازنشویی به این دلیل است که هیچ یک از طرفین عیب جویی، سرزنش و شکوه نمی‌کنند یا نق نمی‌زنند (لومان، پیک و همکاران^۴، ۲۰۰۶). درست در همان لحظه‌ای که مرد وزن احساس کنند عاشق یکدیگرند و این عشق را به یکدیگر ابراز کنند روابط فرازنشویی می‌تواند شکل بگیرد. اغلب روابط فرازنشویی با یک دوستی ساده شروع می‌شود؛ با عمیق تر شدن دوستی، آنها برای رفع نیازهای یکدیگر تلاش می‌کنند. مطالعات و پژوهش‌های بالینی حاکی از آن است که برای گستره‌ی

1. Social System.

2. Social unit.

3. Overeating.

4. Jou Laumann EO, Paik A.

عظیمی از افراد، وفاداری در قالب روابط زناشویی از ارزش و اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و اکثریت این افراد، رابطه تک‌همسری و پای‌بندی به تعهدات زناشویی را به عنوان قالب ارتباطی غالب مورد پذیرش و تاکید قرار می‌دهند (موسی‌چوپانی و همکاران، ۱۳۹۵). خیانت همسر منجر به درهم شکستن فرضیه‌های اساسی فرد در مورد زندگی زناشویی می‌شود که این امر به تفکرات و سواس‌گونه نسبت به خیانت، گوش به زنگی و خشم خواهد انجامید. وقوع خیانت نقش مهمی در ایجاد استرس زناشویی دارد و باعث مشکلات روانی اجتماعی عدیده‌ای می‌شود (اسنایدر^۱، ۲۰۰۵). خیانت برای افرادی که به نحوی با آن درگیرند استرس‌زاست و می‌تواند پیامدهای مخربی برای ایشان به همراه داشته باشد، خیانت حتی برای مشاور خانواده درمانگری که زوج‌ها به ایشان مراجعه می‌کنند نیز بسیار مشکل‌زاست چرا که او نیز باورها و ترس‌های خود را دارد (رستگار، ۱۳۹۲). با توجه به اهمیت نهاد خانواده و کارکردهای متنوع و حیاتی آن و پیچیدگی موضوع خیانت زناشویی عوامل متعددی در شکل‌گیری این عارضه آسیب‌زا نقش دارند (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰). خیانت زناشویی به عنوان یکی از شایع‌ترین آسیب‌های کارکردی در بین زوج‌ها و در سطح جامعه از گستردگی مفهومی و نظری زیادی برخوردار است و دست‌یابی به تعریفی واحد و مشترک از آن که در تمامی جوامع و فرهنگ‌ها از پذیرش برخوردار باشد تا حد زیادی دور از انتظار است (ویسروویگل^۲، ۲۰۱۵، به نقل از موسی‌چوپانی و همکاران، ۱۳۹۵). همچنین عوامل دخیل در روابط فرازناشویی از جمله جنسیت، مذهبی بودن، انتظار از رابطه و دیگر عوامل تعریف جامع این سازه را پیچیده‌تر می‌کند. عکس‌العمل به خیانت شریک همواره و به طور ثابت منفی و اغلب اوقات با قطع رابطه همراه است. انگیزه‌های خیانت متغیر هستند ولی معمولاً به مشکلات و درگیری‌های ارتباط اول‌گره خورده‌اند. میزان درگیری هرکسی با مسائل ارتباط اولیه‌اش از

1. Snyder DK, Heyman RE, Haynes SN.
2. Vaesroviagal.

نکات مهم جهت پیش بینی ریسک خیانت می باشد. ریچارد^۱ (۲۰۰۷) معتقد است نگرش به مسائل جنسی مجاز، عدم جذابیت همسر، کشش و جذب غیر قابل کنترل به شخص دیگر و سبک دل بستگی که اشتیاق رهاسازی را درگیر می کند، احتمالاً درگیر شدن در خیانت عشقی را پیش بینی می نماید. همچنین تفاوت های فردی از قبیل کمبود وجدان و یا دیانت ممکن است نقشی در این زمینه داشته باشد. بر همین اساس روابط فرازنشویی کنشی است که درمانگران خانواده به طور گسترده با آن روبرو می شوند و برای خانواده ها مساله ای است که به شدت تکان دهنده و تنش زاست (آتکینز، جاکوبسن و باکوم^۲، ۲۰۰۱). تحقیقات نشان داده است که روابط فرازنشویی عمدتاً با مشکلات رابطه و مشکلات سیستم زناشویی مانند ملال و خستگی در ازدواج، نارضایتی جنسی زناشویی، فقدان حمایت در ازدواج، کیفیت زندگی پایین یا تعارض زناشویی مرتبط است (آلن^۳ و همکاران، ۲۰۱۴). بعضی محققان نتیجه گرفتند که روابط فرازنشویی زنان بیشتر با عدم رضایت زناشویی مرتبط است در حالی که روابط فرازنشویی مردان ممکن است بیشتر با جنبه های فردی مانند نگرش های مثبت جنسی یا هیجان جنسی مرتبط باشد (آلن و همکاران، ۲۰۱۴). در تعریف روابط فرازنشویی مسائل مختلفی را باید مد نظر قرار داد و ابعاد وسیعی را که در شکل گیری، تداوم، و تکرار خیانت و روابط فرازنشویی اثر دارند مورد توجه قرار داد. از آنجایی که با شکل گیری روند مدرنیته و ایجاد مفاهیم جدید در توسعه ی انسانی، ساختارهای زندگی نیز بشدت تحت تأثیر قرار گرفتند. اثر تکنولوژی نیز در ایجاد روابط فرازنشویی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. به خصوص در سال های اخیر که شبکه های اجتماعی ارتباط را بسیار راحت تر کرده اند. در این زمینه پایکون و همکاران^۴ (۲۰۱۷) در پژوهشی ترکیبی با بررسی زمینه های گرایش به روابط خارج از خانواده در چند کشور اروپایی به این نتیجه رسیدند که عمده ترین دلایل این نوع گرایش

1. Richard, E.

2. Atkins, D. C., Jacobson, N. S., & Baucom, D. H.

3. Allen, E. S.

4. Pichon, M.

ها تعارض‌های رابطه و سطح پایین کیفیت و رضایت زناشویی است. همچنین سانچزو مولانرو^۱ (۲۰۱۶)، به نقل از شرین، اپولونیزو واگنر^۲، (۲۰۱۸). در پژوهش خود با بررسی زمینه‌های فرهنگی در کشور برزیل به این نتیجه رسیدند که خیانت عنصری است که می‌تواند علاوه بر مسائل مربوط به زندگی زناشویی تأثیر زیادی نیز از مسائل فرهنگی بپذیرد. به این صورت که گزارش دادند در زوج‌هایی که از فرهنگ‌های مختلف بودند درصد گرایش به روابط فرازناشویی به طور چشم‌گیری از زوج‌هایی که فرهنگ مشابه داشتند بالاتر بود. پیش‌بینی می‌شود که دینداری به عنوان عاملی فرهنگی بتواند به بازداری از روابط فرازناشویی در افراد کمک کند؛ اما پژوهش‌های تازه در کشورهای اروپایی نشان داده است که سطح بازداری دینداری افراد در جلوگیری از گرایش افراد به روابط فرازناشویی نسبت به دهه‌های گذشته بسیار کاهش یافته است (اولاند، دی موریو^۳، پسوا^۴، ۲۰۱۰، فرناندو، میشل، لوگاری^۵، ۲۰۱۴، نقل از یانگ و لانگ^۵، ۱۳۹۲).

با توجه به اهمیت نهاد خانواده و کارکردهای متنوع و حیاتی آن و پیچیدگی موضوع خیانت زناشویی عوامل متعددی در شکل‌گیری این عارضه آسیب‌زا نقش دارند. در نتیجه یکی از اهداف اصلی مطالعات درباره علل روابط فرازناشویی، بررسی عواملی است که بر تعاملات بین زوج‌ها تأثیر می‌گذارند (بختیاری، حسینی و همکاران، ۱۳۹۹). در ایران پژوهش‌هایی در مورد عوامل اصلی روابط فرازناشویی صورت گرفته است عمدتاً از نوع پژوهش‌های کمی و از نوع همبستگی هستند (حیدری، فاتحی‌زاده، اعتمادی، ۱۳۸۸؛ زندی پور، شفیع‌نیا، حسینی، ۱۳۸۷؛ نوایی و محمدی آریا، ۱۳۹۴)، در صورتی که عوامل بسترساز روابط فرازناشویی می‌توانند فردی، میان فردی، فرهنگی، اجتماعی - اقتصادی نیز باشند. در این میان پژوهش کیفی که مصری پور و همکاران (۲۰۱۶) انجام دادند تلاش کرده تا به این مساله پردازد و با تقسیم بندی عوامل خیانت زناشویی به سه

1. Sanchez, E, Mollanero, A.
2. Scheeren, P., Apellániz, I. D. A. M. D., & Wagner, A.
3. Dimorio, E.S, oland, S.E, pesoa, D.A.
4. Fernando, E, michel, S, lugari, R.A.
5. Yang, J.F and laung, D.A.

دسته شامل: عوامل درون فردی، دلایل تعارض زناشویی و دلایل جنسی خیانت زناشویی را توضیح داده است که ذیل این عوامل بسترهای فرهنگی و اجتماعی بررسی نشده است. این موضوع نشان می‌دهد برای شناخت این پدیده در بستر جامعه‌ی ایران پژوهش‌های بیشتری نیاز است. نکته‌ی حائز اهمیت آن است که افراد با تکیه بر خرده فرهنگ‌ها و جوامع بومی که در آن زندگی می‌کنند احتمالاً بسترهای متفاوتی را برای بروز خیانت تجربه می‌کنند در هر جامعه‌ای پژوهش‌ها در محیط‌های فرهنگی و بافت اجتماعی متفاوت صورت می‌گیرد که تعمیم نتایج آن پژوهش‌ها را به دیگر جوامع اگر نه ناممکن که بسیار سخت می‌کند. در ایران نیز تنوع فرهنگی و اجتماعی موجود ضرورت پژوهش‌هایی اینچنین برای پرداختن به روابط فرازنشویی را بیشتر کرده است. از این رو پژوهش حاضر به بررسی بسترهای زمینه ساز روابط فرازنشویی در زنان دارای این تجارب می‌پردازد و تلاش می‌شود تا زمینه‌های بستر ساز روابط فرازنشویی شناسایی شوند.

روش

پژوهش حاضر یک پژوهش کیفی که با استفاده از شیوه پدیدارشناسی انجام شده است. روش پدیدارشناسی یکی از انواع روش‌های کیفی پژوهش است. به طور کلی در مطالعات پدیدارشناسی، معنای تجارب زیسته افراد متعدد از یک مفهوم یا یک پدیده مدنظر قرار می‌گیرد (کرسول^۱، ۱۳۹۶). این روش تلاش دارد تا به شناخت پدیده از طریق درک افراد از آن پدیده ارج نهد. محقق به منظور درک عمیق تجربه زیسته‌ی زنان با تجربه روابط فرازنشویی بدون آنکه دخل و تصرفی در دیدگاه افراد داشته باشد به مطالعه‌ی عمیق پدیده‌ی در حال وقوع پرداخته است. روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر از نوع در دسترس بود. از آنجا که در پژوهش‌های کیفی حجم نمونه بر اساس دست‌یابی به اشباع نظری مدنظر قرار می‌گیرد، پژوهشگر به جمع‌آوری داده‌ها تا آنجا ادامه داد که دسترسی به مقولات، موضوعات یا تبیین‌های تازه امکان پذیر نباشد. براین اساس نمونه آماری

پژوهش حاضر بر مبنای اصل اشباع نظری ۱۵ نفر از زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر یزد بود که دارای تجربه روابط فرازناتشویی بودند. روابط فرازناتشویی در پژوهش حاضر هرگونه رابطه با نفرسوم بدون اطلاع همسر شامل روابط عاطفی، جنسی را در بر می‌گیرد. ملاک تشخیص این موضوع نیز مراجعه افراد به مراکز مشاوره برای دریافت درمان و مشاوره بود. ملاک‌های اصلی برای ورود به پژوهش رضایت کامل برای مصاحبه، داشتن تجربه روابط فرازناتشویی حداقل به مدت ۳ ماه بود که به منظور حل و فصل مشکلات و درمان خیانت به مراکز مشاوره و کلینیک‌های روان‌شناسی مراجعه کرده بودند.

به منظور گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته استفاده شده است. پرسش‌های مطرح شده در جلسات مصاحبه را محقق محدود به فرضیه‌های پژوهش نکرده و بر اساس هیچ‌گونه سازه‌ی از پیش مشخصی نیست که به مصاحبه شونده امکان می‌دهد تا هیجانات و درک و تفسیر خویش از پدیده‌ی تجربه شده را در محدوده‌ای که مورد انتظار خود اوست و با روش خاص خویش بیان کند. از طرفی مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته به دلیل مشخص بودن سرفصل‌های اصلی پرسش‌ها امکان اینکه پاسخ‌دهندگان به مسیرهای مفهومی بسیار متفاوتی هدایت شوند را از آن‌ها گرفته و تفاوت و تبعیض میان آنان را به حداقل می‌رساند. این ویژگی پایایی بیشتری را برای این نوع مصاحبه‌ها فراهم می‌کند (بورگ و گال، ۲۰۰۵). سوالات مطرح شده در مصاحبه‌های پژوهش حاضر در ۵ محور اساسی تدوین شده است تا وضعیت‌های شبیه به هم برای مشارکت‌کنندگان در پژوهش ایجاد شود. روایی سوالات نیز از طریق نظر ۳ نفر از اساتید و متخصصان مشاوره خانواده بررسی شد به صورتی که سوالات ابتدا توسط پژوهشگر مطرح و پس از آن برای تایید و بررسی روایی به متخصصان ارجاع شد نظرات آنان دریافت و با توجه به نکات ذکر شده توسط آن‌ها سوالات اصلاح و نهایی شد. در طول مصاحبه هر جا که ضرورتی احساس شد و توضیح بیشتری لازم بود از پرسش‌های

تکمیلی نیز استفاده شد مصاحبه های پژوهش در نهایت طی مدت زمانی حدود ۶۰ تا ۷۵ دقیقه انجام شدند. سوالات پژوهش عبارت بودند از: ۱- تجربه شما از رابطه فرازنشویی چگونه بوده و چه عناصری در آن برای شما برجسته بود؟ ۲- نظر شما در مورد زمینه هایی که شما را به سمت تجربه رابطه فرازنشویی هدایت کرده چیست؟ ۳- عوامل دخیل در ایجاد یک رابطه فرازنشویی از نظر شما چه هستند؟ ۴- نقش فرهنگ، خانواده، رابطه زنشویی و مسائل آن و همچنین نظام شخصیتی شریک زندگی تان در گرایش شما به رابطه فرازنشویی چه بوده؟ ۵- به نظر شما چه عواملی در نهایت توانسته برای شما یا دیگران بازدارنده ایجاد کند که تجربه روابط فرازنشویی را رها کنید؟

روش تجزیه و تحلیل داده ها: تحلیل یافته های پژوهش حاضر با روش توصیفی کلایزی و منطبق با روند توضیحی (مورو، رودریگز و کینگ^۱، ۲۰۱۵) انجام شد. گام اول در این روش پیاده سازی مصاحبه ها و مطالعه ی چندین باره ی آن هاست تا به یک معنای جامع از محتوای آن ها دست یابیم. در گام دوم جملات کلیدی و مشخص شده ای که رابطه ی اساسی با هدف پژوهش دارند شناسایی و در چک لیست هایی یادداشت شده و مطابق با شماره ی صفحات مصاحبه ها و پاراگراف و خطوط کدگذاری شدند. گام سوم در تحلیل یافته ها به این روش مفهوم سازی از هر یک از عباراتی که نشان دهنده ی وجه اصلی تفکر فرد است می باشد که در این مرحله نیز مفهوم سازی به این روش بر روی مصاحبه ها و عبارات مشخص شده انجام شد. گام چهارم و مهم در این تحلیل فرموله کردن مفاهیم شناسایی شده در مرحله ی قبلی است در این قسمت معناهای مستخرج از مصاحبه ها و عبارات در مقولات، مضامین فرعی و مضامین اصلی طبقه بندی شدند. در گام ششم از فرآیند تحلیل نیز ساختار محوری و اساسی پدیده ی مرکزی توصیف شد که تلاش محقق در جهت هرچه شفاف تر و واضح بودن این توصیف بوده است. پایان تحلیل نیز با اعتبار بخشی به مضامین اصلی از طریق رجوع به توضیحات شرکت کنندگان و پرسش

از اینکه آیا فرمول‌بندی پژوهشگر از مفاهیم و مضامین اصلی مستخرج از مصاحبه‌ها تجربه شرکت‌کنندگان را به طور عینی انعکاس می‌دهد یا خیر انجام شد. به منظور بررسی صحت اعتبارپذیری یافته‌ها، مضامین اصلی به تعدادی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش داده شد تا از هماهنگی تأویل و تفسیر نتایج با نظرایشان اطمینان پیدا شود. در ادامه برای بررسی بیشتر مواردی که از نظر شرکت‌کنندگان دارای تناقض بود یا نامفهوم تشخیص داده شد مورد بررسی مجدد قرار گرفته و با پرسش‌سوالاتی دیگر از مصاحبه‌شوندگان اعتبار یافته‌ها افزایش یافت. همچنین برای بررسی قابلیت اطمینان متن مصاحبه‌ها به ناظری بیرونی برای بررسی مشابهت درونمایه‌ها سپرده شد که ایشان نیز با توجه به برداشت‌های خود از مصاحبه‌ها کدگذاری‌های تازه‌ای انجام داد و در نهایت هماهنگی میان کدگذاری پژوهشگر و ناظر ۸۵٪ بود. موارد اختلاف میان دو نفر نیز از طریق بحث و تبادل نظر مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفت تا هرچه بیشتر نظرات به هم نزدیک شوند.

یافته‌ها

از میان مجموع ۱۵ نفر افراد نمونه تعداد ۵ نفر از آن‌ها در سال اجرای پژوهش به دلیل داشتن روابط فرازنشویی طلاق گرفته بودند، ۵ نفر مشغول زندگی و دریافت درمان برای خیانت بودند، و ۵ نفر نیز در شرف طلاق و مشغول مراحل دادگاه بودند. تحصیلات افراد نمونه نیز ۶ نفر دارای مدرک لیسانس، ۴ نفر دارای مدرک فوق لیسانس، ۳ نفر سیکل و ۲ نفر مدرک تحصیلی دیپلم داشتند. دامنه‌ی سنی افراد شرکت‌کننده در پژوهش بین ۲۵ تا ۳۶ سال بود هر یک حداقل ۲ بار تجربه روابط فرازنشویی داشتند. براساس مصاحبه‌های انجام شده و از طریق کدگذاری، طبقه‌بندی و تفسیر و تأویل پاسخ شرکت‌کنندگان یافته‌ها در ۴ بعد کلی خانواده و فرهنگ، مذهب و معنای زندگی، مسائل رابطه و مسائل رفتاری و روانی طبقه‌بندی شدند. خانواده و فرهنگ که به شکل مضامین اصلی و زیرمضمون‌های ادراک شده از آن در جداول ۱ و ۲ گزارش شده‌اند؛ شامل نظرات و

تجاریبی است که از منظر مشارکت کنندگان در پژوهش برای بسترسازی تجربه روابط فرزندناشویی مهم و اساسی به شمار می‌روند.

جدول شماره ۱. مضامین، زیرمضمون‌ها، واحدهای معنایی حمایت‌کننده حاصل از کدگذاری مصاحبه‌ها

مضمون اصلی	زیرمضمون	کدهای اولیه
خانواده و فرزند پروری	سبک‌های فرزندپروری	استرس، فشار و بی‌نظمی همیشه توی رفتار والدینم بود / عدم تأمین عاطفی، مالی / هیچ‌وقت دوستی پایدار نداشتم / بد تنظیمی هیجانی / تعصب ورزی
طرحواره‌های جنسیتی - فرهنگی	سهل‌انگارانه نبود دانش تربیتی نزد والدین	سبک تربیتی نادرست / بشدت مقایسه‌ام می‌کردند / عدم آموزش مسائل جنسی / همیشه می‌گفتم من باید بعداً بچه‌هام رو جور دیگه ای تربیت کنم
	نقش مادرانه و اسطوره‌های	اسطوره‌های سنتی / نقش‌پذیری‌های جنسیتی / فکر می‌کردم فقط باید مادر بچه باشم و تازه فهمیدم می‌شد بدون ازدواج هم روابط مذهبی خوبی داشت
	اجتماع‌گریزی و روابط پیش‌از ازدواج	همیشه میگفتن باید مثل حضرت زهرا (ص) باشی / همیشه الگوی ما ائمه بودن
		گریز از روابط اجتماعی پیش‌از ازدواج / هیچ رابطه‌ای نداشتم / اگر سلام هم می‌کردم با کسی احساس گناه داشتم / اصلاً توی خیابون احساس خطر می‌کردم همیشه حتی بعد ازدواج / من ترجیح می‌دادم یه دوست داشته باشم تا همسر / توی مجردی‌ام هم روابط زیادی داشتم.

در ادامه به همراه ارائه‌ی یافته‌ها نمونه‌هایی نیز از پاسخ شرکت‌کنندگان در پژوهش گزارش شده است.

۱. خانواده و فرزندپروری

خانواده و فرزندپروری یکی از عوامل بسترساز اصلی بررسی شده در پژوهش حاضر است که اشاره دارد به انواع مسائل و مشکلاتی که در هسته اصلی روابط فرد یعنی

خانواده می‌توانند منبع گرایش به روابط فرازنشویی باشند. گستره مسائل و چالش‌های ذکر شده توسط شرکت کنندگان در پژوهش که به نقش هسته اصلی روابط فرد ارجاع داشت موجب شد تا از خانواده و فرزندپروری بصورت یک بستر مجزا مورد بررسی قرار گیرد که شامل مسائلی از قبیل سبک فرزندپروری و نبود دانش تربیتی والدین می‌شود.

۱-۱. سبک‌های فرزندپروری استبدادی و سهل‌انگارانه

مصاحبه‌شوندگان بسیاری در پاسخ به نقش فرهنگ، خانواده و مسائل آن‌ها در گرایش به روابط فرازنشویی، بر نوع رفتاری که با آن‌ها در خانواده اصلی و خانواده همسر صورت گرفته، تاکید کردند. به عبارتی از منظر آنان عامل اساسی که در خانواده می‌تواند زنان را به سمت روابط فرازنشویی سوق دهد «سبک فرزند پروری استبدادی و سهل‌انگارانه» است. در ادامه با ارائه‌ی پاسخ‌های برخی شرکت کنندگان نقش این عامل بیشتر توضیح داده و عواملی را که آنان بر شمرده‌اند مرور می‌شود. «سبک تربیتی خانواده‌ام بنظرم نادرست بود» «خانواده‌ی بشدت سختگیری داشتم» «خانواده‌ام به من اجازه نمی‌دادند حتی با دخترها هم روابط پایداری داشته باشم» «مسائل جنسی هیچ وقت توی خانواده‌ی ما ازس هیچ حرفی زده نمی‌شد» نقل قول‌های فوق از شرکت کنندگان نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری تجربه شده‌ی آنان به سبک‌های سهل‌انگارانه و مستبدانه نزدیک بوده و تجارب آنان از دوران کودکی و پیش از ازدواج‌شان تجاربی مبتنی بر محدود کنندگی و رهاسازی بوده است.

۱-۲. نبود دانش تربیتی نزد والدین

مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به شرایطی که توسط خانواده‌شان تجربه کرده‌اند به گونه‌ای مجزا از سبک فرزندپروری به نبود دانش تربیتی نزد والدین خود اشاره کردند. این تمایز از آنجاست که مصاحبه‌شوندگان در تحلیل هر یک از وضعیت‌های تجربه شده به عدم آگاهی تربیتی آنان نیز اشاره کردند. «سبک تربیتی نادرستی داشتم»

«همیشه مقایسه شدم» «هیچ وقت نه بابت بدی هام تنبیه شدم نه بابت خوبی هام تشویق شدم» «همیشه تو ذهنم بود که باید بچه هام رو جور دیگه ای با دانش خوب تربیت کنم» این پاسخ ها و اشارات نشان دهنده ی بخشی از نگرش مصاحبه شوندگان است که در ابعاد فردی به والدین و دانش آنان در زمینه ی تربیت فرزند اشاره دارد. نتایج پژوهش های مختلفی نشان دهنده ی تأثیر این عوامل برسبکی است که افراد در بزرگسالی به دیگران روابط عاطفی برقرار می کنند. پژوهش (موسی چوپانی و همکاران، ۱۳۹۵). نشان داد که در افراد تحت سه عامل بازدارنده های فردی، محیطی و درون فردی، بازدارندگی در برابر روابط فرزاناشویی ایجاد می شود. هریک از بازدارنده ها که ریشه هایی در خانواده و سبک فرزندپروری دارند توان جلوگیری از ورود به روابط فرزاناشویی را دارند. به این ترتیب بر اساس پاسخ های مصاحبه شوندگان ضعف در سبک فرزند پروری می تواند بستری باشد برای ورود افراد به روابط فرزاناشویی.

۲. طرحواره های جنسیتی - فرهنگی

جنسیت و فرهنگ بستر تنش ها و تعارضات فردی و اجتماعی زیادی است که روابط فرزاناشویی نیز به عنوان چالشی بزرگ پیش روی هر فرد از این قاعده مستثنی نیست و برای شناخت پدیده هایی همچون خیانت و روابط فرزاناشویی توجه ویژه به ارزش های فرهنگی غالب در جامعه و طرحواره های جنسیتی لازم است.

۲-۱. نقش مادرانه و اسطوره های مذهبی

پاسخ های مصاحبه شوندگان به پرسش فوق در ارتباط با نقش خانواده و فرهنگ در ایجاد بسترهای روابط فرزاناشویی با رسیدن به الگوهای ناظر فرهنگی ابعاد دیگری پیدا کرد. یکی از ابعاد آسیب زننده از نظر زنان با تجربه روابط فرزاناشویی احساس زدایی از آنان با پررنگ کردن تجربه ی مادری است. به گواه پاسخ های شرکت کنندگان مبنی بر «اسطوره های سنتی» «نقش پذیری های جنسیتی» «فکرمی کردم فقط باید مادر بچه باشم

و تازه فهمیدم می‌شد بدون ازدواج هم روابط خوبی داشت» «همیشه فکر می‌کردم باید فقط مادر خوبی باشم» «هیچ وقت به احساسات دیگه ام بجز اینکه مامان باشم فکر نکردم» «همیشه میگفتن باید مثل حضرت زهرا(س) باشی همیشه الگوی ما ائمه بودن» نشان می‌دهد که عاطفه‌زدایی به عنوان عنصری برای تلقین نقش مادرانه به دختران اثر قابل توجهی بر تجربه‌ی روابط فرازنشویی توسط زنان دارد. کلین^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی که به روش گزندتئوری با افراد دارای تجربه روابط فرازنشویی انجام داد دریافت که آن‌ها به سه وجه تجربه خود را توضیح می‌دهند، ابتدا بر پیامدهای مخفی آن تاکید می‌کنند، سپس آن را نفی کرده و در نهایت اشاره می‌کنند که به قصد نجات رابطه‌ی زنشویی چنین کاری کرده‌اند. در تحلیل نهایی مشخص شد که این افراد به طرز عمیقی از سنت‌های فکری و رفتاری موجود در جامعه اثر پذیرفته و معتقدند این راهکارها با توجه به اینکه در زمانی طولانی توسط زنان زیادی انجام شده و تبدیل به یک باور فرهنگی شده می‌تواند رابطه آن‌ها را نیز نجات دهد. از این رو یافته‌ی فوق نشان می‌دهد که نقش باورهای فرهنگی، و اسطوره‌های مفهومی تا چه حد می‌تواند در ایجاد بستری برای گرایش به روابط فرازنشویی موثر باشد.

۲-۲. اجتماع‌گزیزی و روابط پیش از ازدواج

دیگر پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به پرسش پژوهش در ارتباط با نقش خانواده و فرهنگ نشان داد که بخش بزرگی از تجارب زنان با تجربه روابط فرازنشویی تحت تأثیر ترس آن‌ها پیش از ازدواج از جنس مخالف، محدودیت‌های عاطفی - هیجانی و دیگر مسائلی است که توسط خانواده در رفتار آن‌ها نهادینه شده است. به عنوان مثال پاسخ‌هایی از قبیل؛ «گریز از روابط اجتماعی پیش از ازدواج» «هیچ رابطه‌ای نداشتم» «اگر سلام هم می‌کردم با کسی احساس گناه داشتم» «صلاتوی خیابون احساس خطر می‌کردم همیشه حتی بعد ازدواج» «من ترجیح می‌دادم یه دوست داشته باشم تا همسر»

1. Michelle Kleine.

«توی مجردی ام هم روابط زیادی نداشتم» نشان می‌دهد که زنان با تجربه روابط فرزندناشویی اغلب تحت تأثیر کلیت فرهنگ خانواده و پذیرش نقش‌های جنسیتی گرایش‌هایی به روابط فرزندناشویی را ایجاد کرده‌اند که در نهایت منجر به تجربه این روابط توسط آنان شده است.

جدول شماره ۲. مضامین، زیرمضمون‌ها، واحدهای معنایی حمایت‌کننده حاصل از کدگذاری مصاحبه‌ها

مضمون اصلی	زیرمضمون	کدهای اولیه
مسائل درون فردی	عزت نفس	«وابستگی‌های متعدد» «روابط زیادم قبل ازدواج باعث شده اصلاً نتونم به یه نفر قانع باشم» «در برخورد با مردان هیچ‌گونه عزت نفسی ندارم» «فکر می‌کنم واقعاً آدم ضعیفی هستم»
	احساس حقارت	«نسبت به دیگران خیلی عقیم» «دوستان زیادی دارم که خیلی حال و روزشون خوبه و من کلاً احساس حقارت می‌کنم» «جبران افراطی» «مقابله با اضطراب»
		«من مریض نیستم، ولی خیلی بد رفتار می‌کنم» «با همسرم خیلی با عصبانیت و تندى برخورد می‌کنم» «آشفت‌ام» «فکر می‌کنم بین فکر و عملم خیلی فاصله هست»

در ادامه‌ی بررسی مضامین مستخرج از مصاحبه با زنان دارای تجربه خیانت زناشویی به مسائل درون فردی به عنوان یکی از مضامین اصلی و محوری مرتبط با بسترهای روابط فرزندناشویی پرداخته شده است. پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به سوال اساسی چه زمینه‌هایی شما را به سمت روابط فرزندناشویی سوق داده است؟ واجد گزاره‌هایی است که نشان‌دهنده‌ی مجموعه عوامل درون فردی است که آن‌ها را به سمت روابط فرزندناشویی سوق داده است.

۱- مسائل درون فردی

با توجه به موضوع پژوهش عوامل بسترساز روابط فرزندناشویی علاوه بر زمینه‌های

فرهنگی و اجتماعی به مسائل فردی نیز برمی‌گردد که در پژوهش حاضر این عوامل ذیل مضمون اصلی عوامل درون فردی بررسی شده است.

۱-۱. عزت نفس

پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به سوال فوق نشان داد که نگرش آنان نسبت به مسائل درون فردی خودشان نیز فعال بوده و توانسته‌اند فرضیه‌هایی را برای بسترهای روابط فرازنشویی در رفتار، روان و اعمال خویش در رابطه زنانشویی بیابند. به عنوان مثال در ارتباط با عزت نفس پاسخ شرکت‌کنندگان از قبیل؛ «وابستگی‌های متعدد» «روابط زیاد قبل ازدواج باعث شده اصلاً نتونم به یه نفر قانع باشم» «در برخورد با مردان هیچ‌گونه عزت نفسی ندارم» «فکر می‌کنم واقعاً آدم ضعیفی هستم» «قبلاً هم سابقه داشته که بخاطر اینکه احساس کمبود عزت نفس کنم سعی کنم که با این روابط جبران کنم» نشان می‌دهد که آنان عزت نفس پایین خود را بستری برای تجربه روابط فرازنشویی می‌بینند (علوی، می و مهری‌نژاد^۱، ۲۰۱۸). اشاره کردند که تجربه تاریک زنانشویی که از روابط فرازنشویی وجود دارد را می‌توان با تاکید بر سه گانه‌ی خیانت زنانشویی، ویژگی‌های شخصیتی و تجربه‌ی روابط فهمید. یافته‌های آنان اشاره می‌کند که هرچه ویژگی‌های شخصیتی به عنوان یک عامل زمینه‌ای در افراد دچار ناهنجاری بیشتری باشد احتمال اینکه فرد در روابط فرازنشویی درگیر شود نیز بیشتر است. یافته‌ی پژوهش حاضر نیز مبنی بر نقش عزت نفس به عنوان یکی از اساسی‌ترین عناصر شخصیتی نقش پررنگی در ایجاد بسترهایی برای روابط فرازنشویی در زنان دارد.

۲-۱. احساس حقارت

پاسخ‌های شرکت‌کنندگان در مراحل کدگذاری نشان داد که احساس حقارت به عنوان یک بستر اساسی می‌تواند زمینه‌ساز گرایش زنان به روابط فرازنشویی باشد. از اینرو

پاسخ‌هایی از قبیل؛ «نسبت به دیگران خیلی عقبم» «دوستان زیادی دارم که خیلی حال و روزشون خوبه و من کلاً احساس حقارت می‌کنم» «جبران افراطی» «مقابله با اضطراب» «من مریض نیستم، ولی خیلی بد رفتار می‌کنم» «با همسرم خیلی با عصبانیت و تندی برخورد می‌کنم» «آشفته‌ام» «فکر می‌کنم بین فکر و عملم خیلی فاصله هست» «از بچگی جلوی داداشام هم خودمو کمتر می‌دیدم» سعی می‌کنم مردها را کنترل کنم» نشان می‌دهد که برای زنان احساس حقارت درونی شده از دوره‌های کودکی و نوجوانی که می‌تواند هم مساله‌ای فرهنگی و هم جهت‌گیری جنسیتی باشد بستری را برای روابط فرازناشویی فراهم می‌کند.

جدول ۳. مضامین، زیرمضمون‌ها، واحدهای معنایی حمایت‌کننده حاصل از کدگذاری مصاحبه‌ها

مضمون اصلی	زیرمضمون	کدهای اولیه
مسائل بین فردی	چالش‌های رابطه	«کیفیت زندگی پایین» «عدم علاقه به همسر» «بدبینی و سخت‌گیری همسر» «ناتوانی اقتصادی همسر» «ارتباط کلامی ضعیف» «عدم بخشودگی و گذشت» «نبود دغدغه‌های مشترک» «عدم اعتماد متقابل» «کمبودهای مداوم مالی»
معیارهای زیبایی شناسی		«شلختگی» «چاقی و ورزش نکردن» «عدم آراستگی و توجه به لباس پوشیدن» «ظاهر نامناسب همسر» «تحقیر من بخاطر زنگ پوستم» «همسرم منو بخاطر قد کوتاهم تحقیر می‌کرد» «مدام سرزنش شدم بخاطر نحوه حرف زدنم»

مسائل بین فردی یکی دیگر از مضامین اصلی پژوهش و استخراج شده از کدگذاری مصاحبه‌های پژوهش است. معیارهای زیبایی شناسی و چالش‌های رابطه دوزیر مضمونی هستند که در مسائل بین فردی در نظر گرفته شدند. در ادامه با ارائه‌ی برخی پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به توضیح این مضمون اصلی پرداخته می‌شود.

۱- مسائل بین فردی

در پژوهش حاضر مسائل مرتبط با رابطه زناشویی و رابطه فرد با خانواده اصلی و خانواده همسر ذیل دو زیرمضمون چالش‌های رابطه و معیارهای زیبایی‌شناسی بررسی شده است.

۱-۱. چالش‌های رابطه

یکی از زمینه‌های اساسی تعارض زناشویی و ایجاد نارضایتی از زندگی در زنان متأهل چالش‌هایی است که آن‌ها در روابط خود با همسر و شریک زندگی تجربه می‌کنند. پاسخ‌های شرکت‌کنندگان نشان‌دهنده‌ی غلبه‌ی این چالش‌ها بر ذهنیت‌های بازدارنده‌ی افراد است که در نهایت منجر به تجربه روابط فرازناشویی شده است. پاسخ‌های شرکت‌کنندگان از قبیل؛ «کیفیت زندگی پایین» «عدم علاقه به همسر» «بدبینی و سخت‌گیری همسر» «ناتوانی اقتصادی همسر» «ارتباط کلامی ضعیف» «عدم بخشودگی و گذشت» «نبود دغدغه‌های مشترک» «عدم اعتماد متقابل» «کمبودهای مداوم مالی» نشان می‌دهد که رابطه‌ی زناشویی بعنوان بستری برای ایجاد یک زمینه‌ی نارضایتی در جهت تجربه روابط فرازناشویی نقش اساسی دارند (سائوسیر، میلر، مارتینزا و دیگران، ۲۰۱۸) در پژوهشی که بر روی تصویرمرد قهرمان در جمعیت‌های فرهنگی مختلف در آمریکا انجام دادند مشخص کردند که تفاوت‌های فردی یکی از زمینه‌های ایجاد چالش در رابطه و در نتیجه اعمال فشار ذهنی برای روابط فرازناشویی است. در نتیجه می‌توان اشاره کرد که تفاوت‌های فردی همان‌طور که در صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان نیز آشکار بود یکی از عواملی است که چالش‌های رابطه را پیش‌بینی کرده و باعث ایجاد بستری برای روابط فرازناشویی می‌شود.

۲-۱. معیارهای زیباشناسی

یکی دیگر از بسترهای ایجاد روابط فرازنشویی از منظر زنان با تجربه‌ی این روابط معیارهای زیباشناسی آنان و همسران شان است. عدم آموزش صحیح و نبود آگاهی و همچنین رشد سریع فناوری‌های ارتباطی و مواجهه‌ی افراد با سبک‌های زندگی مختلف بستری را فراهم می‌کند تا همسران نسبت به معیارهای زیباشناسی که برای ازدواج و روابط پیش و پس از آن دارند دچار تردیدهای مداوم باشند. پاسخ‌های شرکت‌کنندگان در پژوهش نیز مؤید این واقعیت است؛ پاسخ‌هایی مانند: «شلختگی» «چاقی و ورزش نکردن» «عدم آراستگی و توجه به لباس پوشیدن» «ظاهر نامناسب همسر» «تحقیر من بخاطر رنگ پوستم» «همسر منو بخاطر قد کوتاهم تحقیر می‌کرد» «مدام سرزنش شدم بخاطر نحوه حرف زدنم» «تو اینستا میدیدم که بقیه چقدر خوب می‌پوشن ولی شوهرم هیچ وقت اونجوری که من دوست داشتم نپوشید» نشان‌دهنده‌ی بی‌ثباتی در معیارهای زیباشناسی افراد و نداشتن آگاهی و همچنین ندیدن آموزش کافی در این زمینه است.

پیشرفت‌های اخیر در فناوری تلفن همراه به افراد اجازه می‌دهد تا درگیر رابطه جنسی شوند (یعنی به اشتراک گذاری کلمات و تصاویر جنسی از طریق فناوری). محققان شیوع و همبستگی سکستینگ^۱ {مکالمه جنسی صوتی و تصویری} را بررسی کرده‌اند، اما تفاوت در نمونه‌ها و تعاریف، ایجاد تصویری منسجم از سکستینگ بزرگسالان را دشوار می‌کند. گالوین، دورینگ و مک‌دنیل^۲ (۲۰۱۸) با بررسی اطلاعات ۶۱۵ نفر در کانادا و آمریکا به این نتیجه رسیدند که ۷۱٫۵ درصد از آن‌ها تجربه جنسی تلفنی نداشته، ۱۴٫۵ درصد از آن‌ها تنها تجربه متنی داشته‌اند یعنی در قالب گفتگوی متنی در صفحات اجتماعی و پیام‌رسان‌ها به کار بردن واژگان جنسی یا تمایل به صحبت کردن در مورد مسائل جنسی داشته‌اند. ۸٫۵ درصد از آن‌ها تجربه‌ی متوسط و فراوانی کمی را در این رفتار نشان دادند و ۵٫۵ درصد از آن‌ها سکسترهای شدید بوده‌اند. بعد دوم این

1. Sexting.

2. Galovan, A. M., Drouin, M., & McDaniel, B. T.

بررسی به ارزیابی سلامت ذهنی آن‌ها در رابطه زناشویی پرداخته که نشان می‌دهد این تجارب در همه‌ی گروه‌هایی که به شکلی این تجربه را داشته‌اند بر سلامت ذهنی آن‌ها در رابطه اثر داشته و باعث ایجاد بسترهای روابط فرازناشویی شده است. یافته‌های این تحقیق تایید می‌کنند که نقش فناوری‌های ارتباطی که توسط مصاحبه‌شوندگان بر معیارهای زیباشناسایی آنان تأثیر داشته نقشی پررنگ و انکار نشدنی است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش کیفی حاضر با رویکرد تحلیل مضمون و با هدف شناسایی عوامل بسترساز روابط فرازناشویی در زنان انجام شد. تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با افراد نمونه عوامل بسیاری را در سطوح فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، فردی، و میان فردی نشان داد که در سه مضمون اصلی خانواده و فرهنگ، مسائل فردی و مسائل میان فردی کاهش داده شد. یافته‌های بدست آمده از مطالعه‌ی حاضر نشان می‌دهد که تجربه شرکت کنندگان از روابط فرازناشویی و همچنین زندگی در بافتی فرهنگی که عوامل زمینه‌ای و بسترهای متفاوتی را برای شروع این روابط فراهم می‌کند موجب گرایش آنان به تجربه روابط فرازناشویی شده است.

اولین مضمون شناسایی شده تحت عنوان عاملی بسترساز برای ظهور روابط فرازناشویی خانواده و فرهنگ بود، در این بستر دو مضمون اصلی شامل؛ خانواده و فرزندپروری و طرحواره‌های جنسیتی- فرهنگی می‌باشد. در این مضامین اصلی زیر مضمون‌های شناسایی شده شامل: سبک فرزندپروری استبدادی و سهل‌انگارانه و نبود دانش تربیتی نزد والدین شناسایی شد که شواهد بدست آمده از مصاحبه‌ها برای آن‌ها عواملی مانند؛ استرس، فشار و بی‌نظمی در رفتار والدین، عدم تأمین عاطفی، مالی، فقدان دوستی‌های پایدار، بدتنظیمی هیجانی و تعصب و ورزی در ارتباط با سبک فرزندپروری آنان و در ارتباط با سبک تربیتی نادرست که عاملی نسبتاً بیرونی تر نسبت به سبک فرزندپروری و متاثر از سازوکارهای فرهنگی همچون مردسالاری است عواملی را

مانند مقایسه‌ی زیاد، عدم آموزش مسائل جنسی، ادراک تفاوت در آزادی‌های اجتماعی با مردان و نگرش جنسی به روابط زنان گزارش دادند. پژوهش‌های متعددی در بررسی عوامل مرتبط با خیانت و روابط فرزنانشویی انجام شده که هر یک بر ابعاد متفاوتی تاکید کرده‌اند (ویشمن و اسنایدر^۱، ۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان بررسی زمینه‌های خیانت جنسی در زنان آمریکایی به این نتیجه رسیدند که عوامل اساسی در ایجاد و شروع این نوع خیانت‌ها غالباً در روابط خانوادگی و ضعف‌های شخصیتی و رفتاری ریشه دارد. به گونه‌ای که زنان دارای این تجارب عموماً دارای عزت نفس پایین، و تحت سبک‌های فرزندپروری استبدادی یا سهل‌انگارانه بوده‌اند (اولامیجون، کلیفورود و چیمهاکا^۲، ۲۰۲۰) در پژوهش خود دریافتند که آموزش زنان نقش واسطه‌ای را در رابطه میان بی‌فرزندی و خیانت زناشویی به عهده دارد. آنان دریافتند که حتی اگر زنان با تجربه روابط فرزنانشویی که کودکی نداشته باشند تحت آموزش‌های صحیح قرار بگیرند می‌توان از تجربه روابط فرزنانشویی توسط آنان جلوگیری کرد؛ همانگونه که در پژوهش حاضر نیز افراد گزارش دادند که اغلب سبک‌های فرزندپروری استبدادی و سهل‌انگارانه داشتند. این موضوع در پژوهش (زینالی و جوادی، ۱۳۹۷). مورد تاکید قرار گرفته و مشخص شد که سبک فرزندپروری مقتدرانه با ایجاد دل‌بستگی ایمن در استعداد خیانت زناشویی نقشی ندارد. سبک فرزندپروری مستبدانه، آزادگذار و بی‌اعتنا از طریق ایجاد دل‌بستگی نایمن در استعداد خیانت زناشویی موثر واقع می‌شوند. همچنین در دیگر مضمون شناسایی شده یعنی طرواره‌های جنسیتی - فرهنگی مصاحبه‌شوندگان عوامل مختلفی را گزارش کردند که نشان‌دهنده‌ی بسترسازی این عوامل برای ظهور و بروز روابط فرزنانشویی است. زیرمضمون‌های شناسایی شده برای این عوامل یعنی؛ نقش مادرانه و اسطوره‌های مذهبی و همچنین اجتماع‌گریزی و روابط پیش از ازدواج نقش زیادی در بسترسازی برای روابط فرزنانشویی دارند. مطالعه‌ی نقش روابط پیش از ازدواج با خیانت

1. Whisman, M. A., & Snyder, D. K.
2. Olamijuwon, E., Odimegwu, C. & Chemhaka, G.

زناشویی در پژوهش (نژاد کریم، سعیدی فرد، وحیدنیا و احمدی، ۱۳۹۵) مورد توجه قرار گرفت که بر اساس آن مشخص شد افرادی که پیش از ازدواج درگیر روابط جنسی متعدد می‌شوند ارزش‌های جنسی تغییر یافته داشته و احتمال بروز خیانت زناشویی در زندگی مشترک توسط آنان زیاد است. تبیین این یافته نشان می‌دهد که هر دو طیف با توجه به سبک‌های فرزند پروری که پیش از این بررسی شد (استبدادی و سهل‌انگارانه). می‌تواند به عنوان عاملی بسترساز برای درگیری افراد در روابط آسیب‌رسان پیش از ازدواج دخیل باشند. این پژوهش‌ها نشان‌دهنده‌ی تاکید و تایید بر عواملی است که در پژوهش حاضر تحت عنوان خانواده و فرهنگ به عنوان عوامل بسترساز روابط فرازناشویی مطرح شدند. خانواده به عنوان کانون اصلی شکل‌گیری نگرش افراد اگر از سلامت کافی برخوردار نباشد می‌تواند زمینه‌هایی را برای بروز خیانت زناشویی فراهم کند.

یکی دیگر از عوامل شناسایی شده در پژوهش حاضر در بسترسازی برای روابط فرازناشویی عوامل بین فردی است. این عوامل به مسائل رابطه و نقش آن‌ها در ایجاد بستر روابط فرازناشویی اشاره دارد.

در پژوهش حاضر مضمون اصلی مسائل بین فردی با دو زیرمضمون عمده شامل؛ چالش‌های رابطه و معیارهای زیبایی‌شناسی مشخص می‌شود. در این مضمون‌ها عواملی از طرف زنان به عنوان بسترهای گرایش به روابط فرازناشویی مطرح شد که طیفی از عوامل شامل؛ کیفیت زندگی پایین، عدم علاقه به همسر، بدبینی و سخت‌گیری همسر، ناتوانی اقتصادی همسر، ارتباط کلامی ضعیف، عدم بخشودگی و گذشت، نبود دغدغه‌های مشترک، عدم اعتماد متقابل، دلزدگی زناشویی، زندگی جنسی نامطلوب و کمبودهای مداوم مالی از را برای اشاره به چالش‌های رابطه مطرح می‌کند. مسائل رابطه به عنوان یکی از بسترهای اصلی گرایش به روابط فرازناشویی در پژوهش‌های مختلفی مورد توجه قرار گرفته از جمله؛ یافته‌های پژوهش (زهراکار و همکاران، ۱۳۹۸) نشان داد که عوامل زمینه‌ساز خیانت زناشویی در زنان را می‌توان در سه مقوله‌ی عمده تحت عنوان

کسالت بار شدن زندگی بعد از کشف همدیگر، ضعف‌های ذاتی ازدواج و آسیب‌پذیری در زمان سرکوفته شدن نیازجنسی یا عاطفی طبقه‌بندی کرد. این عوامل و نتایج پژوهش فوق‌تاکیدی است بر عوامل بدست آمده در پژوهش حاضر که تحت عنوان مسائل بین‌فردی مفهوم پردازی شدند. (پرینز، بوک، و ون پیرین^۱، ۲۰۰۱) در پژوهشی مشخص کردند که اساساً خیانت زناشویی غالباً در میان زوج‌هایی رخ می‌دهد که ازدواج خود را به شکلی منفی ارزیابی کرده و کیفیت روابط جنسی و معاشقه‌های آنان پایین است. از همین رواز آنجا که پژوهش‌ها تاکید می‌کنند که کیفیت روابط پایین با افزایش احتمال روابط فرازنشویی و افسردگی همبسته است می‌توان اشاره کرد که عوامل بین‌فردی مطرح شده در پژوهش حاضر نیز تایید کننده‌ی اهمیت و نقش این موضوع در بسترسازی برای روابط فرازنشویی است. کیفیت یک رابطه زناشویی شامل سه مؤلفه‌ی اصلی توافق زناشویی، خرسندی زناشویی و انسجام زناشویی است و نتیجه شیوه‌هایی بوده که افراد متاهل به‌طور نظام‌مند خود را به این مثلث سازماندهی می‌کنند. فینچام و برادبوری^۲ (۲۰۰۰) اظهار داشتند که کیفیت روابط زناشویی و میزان شادمانی از آن تابع نحوه‌ی تعامل زن و شوهر و شیوه‌های مقابله آن‌ها با موقعیت‌های تنش‌زای زندگی است (فردوسی، ۱۳۹۷). این تاکید نشان می‌دهد مضامین اولیه‌ی اظهار شده توسط افراد نمونه که به کیفیت زندگی اشاره داشتند بسترهایی را برای بروز روابط فرازنشویی فراهم کرده است. همچنین حاجی حیدری و حبیبی عسگرآباد (۱۳۹۴). دریافتند که کاهش عوامل زمینه‌ساز خیانت زناشویی را می‌توان در سه بعد فردی، روابط همسران و جامعه فهم کرد. مدل پارادایمی استخراج شده در پژوهش فوق نیز نشان‌دهنده‌ی تفکیک عوامل فردی (درون فردی در پژوهش حاضر)، روابط همسران (عوامل بین فردی در پژوهش حاضر). و جامعه (خانواده و فرهنگ در پژوهش حاضر). است که نشان‌دهنده‌ی همسویی نتایج پژوهش حاضر با این مدل است.

معیارهای زیبایی شناسانه نیز یکی دیگر از عوامل بین فردی دخیل در ایجاد بستر برای روابط فرازناشویی است. با گسترش ابزارهای ارتباطی و تغییر سریع نحوه‌ی زندگی و همچنین تغییرات گسترده در سلیقه‌ی افراد خانواده نیز به عنوان هسته‌ی اصلی شکل دهنده به روابط زناشویی افراد تغییرات زیادی کرده است. در عصر پسامدرن یا عصر افول فراروایت‌ها، شکستن دیوارهای قطور فرهنگ سنتی، فروریختن امواج سهمگین اینترنت بر بستر نهاد خانواده و ابتدالی شرم‌مطلق، روابط زناشویی نیز شکل تازه‌ای به خود گرفته است. به دنبال صنعتی شدن و فرآیند مدرنیته در برخی جوامع خانواده و ارزش‌های خانوادگی دستخوش تغییرات بنیادینی شده است. ارزش‌های سنتی حاکم بر جوامع پیشاصنعتی مبتنی بر اطاعت، اقتدار، سن‌سالاری و جنس‌سالاری به ارزش‌های مدرن با برابری جنسیتی، پذیرش تغییر نقش زنان و تاکید بر استقلال مبدل شده و با ورود برخی جوامع به دنیای فراصنعتی ارزش‌های فردمحور و پست مدرن نیز به وجود آمده و در حال گسترش است (مدیری و مهدوی، ۱۳۹۴). در زیرمضمون عوامل زیبایی شناسانه اظهارات مصاحبه شونده‌گان همچون؛ شلختگی همسر، رنگ پوست، نوع پوشش، عقب بودن از تغییرات سبک زندگی و چاقی نشان‌دهنده‌ی تأثیراتی است که در بینش زنان از طریق گذار جامعه به دوره‌های تازه‌تر اتفاق می‌افتد. همچنین در سمت دیگر تحقیق برخی زنان بواسطه‌ی همین تغییرات در مردان نیز بسترهایی را برای گرایش به روابط فرازناشویی و دلسردی و عدم گرایش به شریک زندگی فراهم کرده است. پژوهش‌های انجام شده در این زمینه بیشتر در حوزه‌ی جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی بوده و مشاوران خانواده و روان‌شناسان کمتر به این موضوع توجه کرده‌اند. پژوهش زارعان و چابکی (۱۳۹۷) که به بررسی رابطه مصرف‌گرایی و نگاه کالایی به انسان با سیالیت عشق در زندگی زناشویی پرداخته است، نشان داد که این نوع فرهنگ از طریق تأثیری که بر سلیقه‌ی زوج‌ها گذاشته و تغییر نگرش آنان به مقوله‌ی علاقه و عشق در زندگی زناشویی می‌تواند رابطه بین زوج‌ها را تحت تأثیر قرار داده و تداوم زندگی را متزلزل کند از

این رو معیارهای زیبایی شناسانه که در پژوهش حاضر مدنظر قرار گرفته یکی از بسترهای ایجاد و ظهور روابط فرازنشویی از منظر زنان است که نشان دهنده‌ی تایید این موضوع و همسویی نتایج پژوهش با دیگر پژوهش‌ها در این حوزه است. در کنار عوامل بین فردی و مسائل رابطه مسائل درون فردی و متغیرهای روان شناختی نیز می‌توانند در ایجاد بستری برای روابط فرازنشویی دخیل باشند.

در ادامه‌ی بررسی مضمون‌های اصلی استخراج شده در پژوهش حاضر مسائل درون فردی به عنوان یکی دیگر از مضامین اصلی مدنظر قرار دارد. عوامل درون فردی هرگونه عاملی است که مربوط به فرد بوده که شامل؛ افکار، نگرش‌ها، سلیقه و دیگر موارد می‌شود. در پژوهش حاضر مسائل درون فردی با دوزیر مضمون عزت نفس و احساس حقارت مشخص شدند، پژوهش ویگل و شروت^۱ (۲۰۲۰). نشان داد که عزت نفس یکی از عوامل اساسی و ضربه‌گیرهای مهم در گرایش به روابط فرازنشویی است. این پژوهش نشان داد افرادی که عزت نفس بیشتری دارند نسبت به ظاهر خود مطمئن‌ترند و در تصمیم‌گیری‌های خود عاملیت بیشتری احساس می‌کنند از این رو گرایش کمتری نیز به روابط فرازنشویی نشان می‌دهند. همچنین یافته‌های پژوهش یامبول، چاووش اوغلو و جیمسی^۲ (۲۰۱۰). که به بررسی اثر آسیب‌های کودکی بر گرایش به خیانت در روابط عاطفی با در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای عزت نفس پرداخته نشان می‌دهد که افراد با سابقه‌ی آسیب‌های کودکی اساس حقارت بیشتر و گرایش شدیدتری به روابط فرازنشویی دارند و زمانی که متغیر عزت نفس به عنوان میانجی وارد می‌شود این گرایش کمتر می‌شود. به این ترتیب می‌توان کمبود عزت نفس و احساس حقارت را که در پژوهش حاضر نیز مورد تاکید بوده به عنوان عوامل درون فردی موثر در ایجاد بستر برای روابط فرازنشویی از منظر زنان مدنظر قرار داد. به عبارتی یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج دیگر پژوهش‌ها همسویی دارد. خیانت زنشویی یا روابط فرازنشویی اشکال متعدد و متنوعی

1. Shrout, M. R., & Weigel, D. J.

2. Cigdem, y, s, cavusoglu & b, geyimci.

دارد. از آنجا که در پژوهش حاضر بنا به تعریف هرگونه رابطه‌ای با نفوسوم به قصد ارضای نیازهایی که باید در رابطه زناشویی ارضا شوند که بدون اطلاع همسر بوده باشد در دایره خیانت زناشویی بررسی شده عوامل سبب‌ساز آن نیز در دایره‌ای گسترده قرار می‌گیرند. به این ترتیب به طور خلاصه می‌توان گفت پژوهش حاضر با بررسی تجربه زیسته‌ی زنان با تجربه روابط فرازناشویی به این نتیجه رسید که عوامل بسترساز روابط فرازناشویی در زنان را می‌توان در سه مقوله‌ی اصلی تحت عنوان خانواده و فرهنگ، عوامل درون فردی و عوامل بین فردی بررسی کرد که مطابق بررسی‌های انجام شده در پژوهش حاضر؛ خانواده و فرهنگ دارای دو زیرمضمون عمده‌ی خانواده و فرزندپروری و طرحواره‌های جنسیتی- فرهنگی می‌باشد. همچنین مقوله‌ی عوامل درون فردی شامل دو زیرمضمون عزت نفس و احساس حقارت و مقوله‌ی عوامل بین فردی شامل دو زیرمضمون چالش‌های رابطه و معیارهای زیبایی‌شناسی می‌شود. نتایج پژوهش حاضر با توجه به این که در شهریزد انجام شده و افراد نمونه زنان با تجربه روابط فرازناشویی بوده‌اند قابل تعمیم به دیگر جوامع نیست. همچنین بواسطه‌ی حساسیت موضوع روابط فرازناشویی و تنوع قومیتی و فرهنگی گسترده در ایران پیشنهاد می‌شود که این پژوهش در نمونه‌های متفاوت قومی و فرهنگی نیز اجرا شود. نتایج پژوهش حاضر می‌تواند مبنایی برای اجرای طرح‌ها و مداخلات پیشگیرانه فراهم کند که پیشنهاد می‌شود نهادهای متولی و متخصصان خانواده با در نظر گرفتن یافته‌های پژوهش به طراحی برنامه‌هایی برای مداخله در هر گروه از عوامل شناسایی شده در پژوهش حاضر بپردازند.

به این ترتیب با توجه به نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر که بسترهای بروز و ظهور روابط فرازناشویی را از منظر زنان بررسی کرده نشان می‌دهد که نمی‌توان روابط فرازناشویی را سازه‌ای تک بعدی در نظر گرفت و برای شناخت آن باید عوامل فرهنگی، اجتماعی و قومیتی را در نظر گرفت. با نظر به این موضوع و تنوع گسترده‌ی قومیتی جامعه‌ی ایران مساله‌ی روابط فرازناشویی طبیعتاً متاثر از این تنوع فرهنگی بوده و تکرار پژوهش‌هایی از

این دست به شناخت بیشتر این پدیده در میان زنان ایرانی کمک شایانی کرده و مداخله در زمان بروز این پدیده در میان زوج‌ها را برای مشاوران و متخصصان خانواده راحت‌تر می‌کند.

ملاحظات اخلاقی پژوهش

تمامی شرکت‌کنندگان برای شرکت در پژوهش رضایت شفاهی خود را اعلام نمودند و اطمینان لازم در مورد محرمانگی اطلاعات به آنها داده شده است.

سهم نویسندگان

نویسنده مسئول تمامی مراحل فرایند پژوهشی را به تنهایی مدیریت نموده و مسئول نگارش مقاله است.

حمایت مالی

این مقاله هیچ‌گونه حمایت مالی نداشته و در راستای پژوهش رساله دکتری خانم زهرا احمدی اردکانی می‌باشد.

تعارض منافع

یافته‌های این مطالعه هیچ‌گونه تضاد با منافع شخصی یا سازمانی ندارد.

قدردانی

از کلیه‌ی زنان متاهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شه‌ریزد که با شرکت خود در پژوهش، به روند اجرای طرح کمک کردند، سپاسگزاری می‌شود.

منابع

افشاری کاشانیان، ا.، زهراکار، ک.، محسن زاده، ف.، و تاجیک اسماعیلی، ع. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل زمینه ساز خیانت زناشویی در زنان. پژوهش‌های مشاوره، ۱۸ (۷۱)، ۱۲۲-۱۵۶.

- بختیاری، ا؛ حسینی، س؛ عازفی، م؛ افشاری نیا، ع، (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی در رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و نگرش به خیانت زناشویی. *پژوهش‌های مشاوره*، ۲۰ (۷۷)، ۱۲۲-۱۴۰
- مؤمنی جاوید، م؛ شعاع کاظمی، م، (۱۳۹۲). اثربخشی مداخلات روان‌درمانی بر بخشش خیانت همسر در زنان متأهل شهر تهران در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۰. *پژوهش اجتماعی*، ۶ (۱۸)، ۱۳۹-۱۵۵.
- چوپانی، م؛ سهرابی فرد، م؛ محمدی، ف؛ اسماعیلی، ن؛ و صمدی فرد، آ، (۱۳۹۸). ادراک مردان بی‌وفا (خیانت) از علل و عوامل بازدارنده از روابط فرازناشویی: یک مطالعه کیفی. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۸ (۶۹)، ۷۹-۱۰۵.
- زارعان، م؛ و چابکی، ا، (۱۳۹۷). رابطه‌ی مصرف‌گرایی و نگاه کالایی به انسان با سیالیت عشق در زندگی زناشویی. *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ۱۶ (۴)، ۴۸۳-۴۹۸.
- حبیبی عسگرآباد، م؛ و حاجی حیدری، ز، (۱۳۹۴). علل خیانت زناشویی از دیدگاه زوج‌های مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده: یک مطالعه کیفی. *خانواده پژوهی*، ۱۱ (۴۲)، ۱۶۵-۱۸۶.
- حیدری، ح، فاتحی‌زاده، م، اعتمادی، ع، (۱۳۸۸). پیش‌بینی عهدشکنی زناشویی. *تازه‌های روان‌رمانی*، ۵۲ (۵۱)، ۱۲۷-۱۱۵.
- رستگار، ک، (۱۳۹۲). هوس‌های سرخ، روان‌شناسی زیبایی، هوس و خیانت. تهران: نشر اینترنتی.
- صوفی، ن؛ مدنی، ی؛ شاه‌مرادی، س، (۱۴۰۰). مطالعه تجربه زیسته دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته مشاوره و تغییرات نگرش آنها نسبت به ازدواج و روابط زناشویی: یک پژوهش کیفی. *پژوهش‌های مشاوره*، ۲۰ (۷۸)، ۲۱۶-۲۴۳
- زندى پور، ط، شفيعی نیا، ع؛ حسینی، ف، (۱۳۸۷). رابطه بخشش خیانت‌زناشویی همسر و سلامت روان در زنان متأهل. *پژوهش‌های مشاوره*، ۲۸ (۷)، ۶۶-۵۳
- جوادی، س؛ زینالی، ع، (۱۳۹۷). آمادگی برای خیانت زناشویی: نقش شیوه‌های تربیتی والدین و الگوهای دل‌بستگی. *خانواده پژوهی*، ۱۴ (۴)، ۵۳۳-۵۴۸.
- حیدری ممدی، ط؛ و وزیر یزدی، س؛ عبادی، ح، (۱۳۹۸). زمینه‌یابی فرایند پیمان شکنی زناشویی در مراجعین به مرکز روان‌پزشکی اجتماعی بیمارستان نور. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۷ (۲)، ۳۳۶-۳۴۷
- کمالی، س؛ عامری، ف، خسروی، ز؛ رضیانی، م، (۱۳۹۷). تجربه زیسته زنان از روابط فرازناشویی همسر: یک مطالعه پدیدارشناختی. *خانواده پژوهی*، ۱۴ (۱)، ۹۵-۱۱۲
- نوایی، ج؛ محمدی‌آریا، ع، (۱۳۹۴). بررسی ارتباط بین طر‌حواره‌های ناسازگار اولیه با توجیه روابط فرازناشویی در میان افراد متأهل. *فصلنامه روان‌پرستاری*، ۴ (۲)، ۱۸-۲۷.
- فردوسی، س. (۱۳۹۷). پیش‌بینی نگرش به خیانت زناشویی بر اساس رفتار دل‌بستگی در روابط زناشویی. کیفیت روابط زناشویی و سبک‌های دل‌بستگی در زنان متأهل. *روان‌شناسی معاصر*، ۱۳ (۲)، ۱۴۹-۱۵۷.
- نژادکریم، ا؛ سعیدی فرد، ط؛ وحیدنیا، ن؛ احمدی، خ، (۱۳۹۵). نقش روابط پیش از ازدواج در خیانت زناشویی. *سلامت اجتماعی*، ۴ (۳)، ۲۹۹-۳۰۶

یانگ و لانگ (بی تا). مبانی زوج‌درمانی، ترجمه نظری، ع؛ خدادادی، ج؛ اسدی، م؛ ناموران، ک؛ صاحب دل، ح، تهران: آوای نور (۱۳۹۲).

- Allen, E. S., Atkins, D. C., Baucom, D. H., Snyder, D. K., Gordon, K. C., & Glass, S. P. (2014). Intrapersonal, interpersonal, and contextual factors in engaging in and responding to extramarital involvement. *Clinical Psychology: Science and Practice*, 12(2), 101-130.
- Atkins, D. C., Baucom, D. H., & Jacobson, N. S. (2001). Understanding infidelity: Correlates in a national random sample. *Journal of family psychology*, 15(4), 735.
- Alavi, M., Kye Mei, T., & Mehrinezhad, S. A. (2018). The Dark Triad of personality and infidelity intentions: The moderating role of relationship experience. *Personality and Individual Differences*, 128, 49-54.
- Bradbury, T. N., Fincham, F. D., Beach, H. S. R. (2000). Research on the Nature and Determinants of Marital Satisfaction: A Decade in Review. *Journal of Marriage and the Family* 62, 964-980.
- Creswell, J. W. (1994). *Research design: Qualitative and quantitative approaches*. Thousand Oaks, CA: Sage
- Galovan, A. M., Drouin, M., & McDaniel, B. T. (2018). Sexting profiles in the United States and Canada: Implications for individual and relationship well-being. *Computers in Human Behavior*, 79, 19-29.
- Jenkins, Q. T. (2015). Husband's response infidelity. *Unpublished Dissertation, University of Kentucky, Kentucky*
- Heyman, R. E. (2001). Observation of couple conflicts: Clinical assessment applications, stubborn truths, and shaky foundations. *Psychological Assessment*, 13(1), 5-35.
- Jou Laumann EO, Paik A, Glasser DB, Kang JH, Wang T, Levinson B, Moreira ED Jr, Nicolosi A, Gingell C. A cross-national study of subjective sexual well-being among older women and men: findings from the *Global Study of Sexual Attitudes and Behaviors*. Arch Sex Behav. 2006 Apr;35(2):145-61. doi: 10.1007/s10508-005-9005-3. Epub 2006 Apr 26. PMID: 16752118. rnal/ViewPaper.aspx?id=221726.
- Laumann, E. O., Paik, A., Glasser, D. B., Kang, J. H., Wang, T., Levinson, B., & Gingell, C. (2006). A cross-national study of subjective sexual well-being among older women and men: Findings from the global study of sexual attitudes and behaviors. *Archives of sexual behavior*, 35(2), 143-159.
- Michelle Kleine, Accounts and Attributions Following Marital Infidelity, Pages 211-229, *Published online*: 12 Dec 2019.
- Messripour, S., Etemadi, O., Ahmadi, S. A., & Jazayeri, R. (2016). Analysis of the reasons for infidelity in women with extra-marital relationships: a qualitative study. *Modern Applied Science*, 10(5), 151-162.
- Olamijuwon, E., Odimegwu, C. & Chemhaka, G. (2021). Involuntary Childlessness and Marital Infidelity Among Women in Sub-Saharan African Countries: An Assessment of the Moderating Role of Women's Education. *Arch Sex*

Behaviour, 50, 601–614.

- Prins, K. S., Buunk, B. P., & Van Yperen, N. W. (1993). Equity, normative disapproval and extramarital relationships. *Journal of Social and Personal Relationships*, 10, 39–53.
- Pichon, M., Treves-Kagan, S., Stern, E., Kyegombe, N., Stöckl, H., & Buller, A. M. (2020). A mixed-methods systematic review: infidelity, romantic jealousy and intimate partner violence against women. *International journal of environmental research and public health*, 17(16), 5682.
- Snyder, D. K., Heyman, R. E., & Haynes, S. N. (2005). Evidence-based approaches to assessing couple distress. *Psychological assessment*, 17(3), 288.-307.
- Saucier, D. A., Miller, S. S., Martens, A. L., O'Dea, C. J., & Jones, T. L. (2018). Individual differences explain regional differences in honor-related outcomes. *Personality and Individual Differences*, 124, 91–97.
- Scheeren, P., Apellániz, I. D. A. M. D., & Wagner, A. (2018). Marital infidelity: The experience of men and women. *Trends in Psychology*, 26, 355-369.
- Shrout, M. R., & Weigel, D. J. (2020). Coping with infidelity: The moderating role of self-esteem. *Personality and individual differences*, 154, 109631.
- Whisman, M. A., & Snyder, D. K. (2007). Sexual infidelity in a national survey of American women: Differences in prevalence and correlates as a function of method of assessment. *Journal of Family Psychology*, 21(2), 147–154.
- Yumbul, C., Cavusoglu, S., & Geyimci, B. (2010). The effect of childhood trauma on adult attachment styles, infidelity tendency, romantic jealousy and self-esteem. *Procedia-social and behavioral sciences*, 5, 1741-1745.

